

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Protection of Intellectual Property in Cyberspace under Iranian Law and International Documents

1. Ali Moshrefi: PhD Student, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
2. Amir Molla Mohammad Ali*: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Shahid Mahalati Higher Education Complex, Qom, Iran. Email: Drmolla@gmail.com (Corresponding Author)
3. Mahmoud Qayyumzadeh: Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

ABSTRACT

Given globalization and extensive economic and cultural interactions, the development of appropriate laws for the protection of intellectual property rights can play a significant role in the economic and cultural advancement of countries. The aim of this article is to examine the question: What is the approach of Iranian law and international documents towards the protection of intellectual property in cyberspace? This is a descriptive-analytical paper that examines the subject through library-based research. The findings indicate that in Iran, certain issues related to intellectual property rights, particularly in the realm of new and digital technologies, have not been fully addressed. In contrast, international laws, considering the rapid advancements in digital technologies, have provided more up-to-date frameworks to tackle these issues. The results show that although Iranian domestic laws are similar to international laws in some areas, practical challenges exist in the effective implementation of these laws. To enhance intellectual property protection in Iran, there is a need to update laws and establish effective and modern enforcement systems. Additionally, addressing new needs in the digital and internet space, and aligning domestic laws with international standards are essential steps to improve the protection of intellectual property rights in Iran.

Keywords: *Intellectual property rights, cyberspace, digital technologies, Iranian law, international documents.*

How to cite: Moshrefi, A., Molla Mohammad Ali, A., & Qayyumzadeh, M. (2025). Protection of Intellectual Property in Cyberspace under Iranian Law and International Documents. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 189-206.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 February 2025
Revise Date: 04 March 2025
Accept Date: 20 March 2025
Publish Date: 25 March 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

۱. علی مشرفی: دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
۲. امیر ملا محمدعلی*: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم، قم، ایران.
پست الکترونیک: Drmolla@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. محمود قیوم زاده: استاد، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

چکیده

با توجه به جهانی شدن و تعاملات گسترده اقتصادی و فرهنگی، تدوین قوانین مناسب برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند نقش مؤثری در پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کشورها داشته باشد. هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که رویکرد حقوق ایران و اسناد بین‌المللی در حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی چگونه است؟ این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها نشان داد در ایران، برخی مسائل مربوط به حقوق مالکیت فکری به‌ویژه در حوزه فناوری‌های جدید و دیجیتال به‌طور کامل پوشش داده نشده است. این در حالی است که قوانین بین‌المللی، با توجه به پیشرفت‌های سریع در فناوری‌های دیجیتال، چارچوب‌های به‌روزتری برای مقابله با این مشکلات ارائه داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هرچند قوانین داخلی ایران در برخی زمینه‌ها با قوانین بین‌المللی مشابه است، اما در عمل، مشکلاتی در اجرای مؤثر این قوانین وجود دارد. برای بهبود حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران، نیاز به به‌روزرسانی قوانین و ایجاد سیستم‌های اجرایی مؤثر و به‌روز وجود دارد. همچنین، توجه به نیازهای جدید در فضای دیجیتال و اینترنت و هم‌راستا کردن قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی از جمله اقدامات ضروری برای ارتقاء حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران است.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، فضای مجازی، فناوری‌های دیجیتال، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

نحوه استناددهی: مشرفی، علی، ملا محمدعلی، امیر. و قیوم‌زاده، محمود. (۱۴۰۴). حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۱)، ۲۰۶-۱۸۹.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۳ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۶ فروردین ۱۴۰۴



در سال‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های نوین و افزایش تولید دانش و اطلاعات در جهان، مسئله مالکیت فکری به یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق تبدیل شده است. با توجه به اهمیت فزاینده اطلاعات، نوآوری‌ها و اختراعات در اقتصاد جهانی و نقش حیاتی آن‌ها در پیشرفت جامعه، حمایت از حقوق مالکیت فکری اهمیت بسیاری پیدا کرده است. مالکیت فکری به عنوان یکی از مسائل اساسی و حساس در دنیای امروز، به دلیل پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در جوامع مدرن، با گسترش فناوری و نوآوری‌های فکری، حفاظت از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری به یک ضرورت حقوقی و اجتماعی تبدیل شده است. این حقوق شامل تمامی اختراعات، ایده‌ها، آثار هنری و ادبی، علائم تجاری و دیگر موارد مشابهی است که از نظر حقوقی به عنوان دارایی‌های فکری یا معنوی شناخته می‌شوند. این نوع مالکیت به افراد امکان می‌دهد تا از منافع مادی و معنوی تولیدات فکری خود بهره‌مند شوند و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند. با این حال، مسئله حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی از مسائلی است که محل بحث است. این امر به ویژه در دنیای امروز که با تغییرات سریع فناوری و اقتصادی همراه است، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه، حمایت از حقوق مالکیت در فضای مجازی است. هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که رویکرد حقوق ایران و اسناد بین‌المللی در حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی چگونه است؟ به منظور ررسی سوال مورد اشاره ابتدا فضای مجازی و مالکیت فکری در فضای مجازی بررسی شده و در ادامه رویکرد حقوق ایران و سپس رویکرد اسناد بین‌المللی در این خصوص بحث شده است.

۱. فضای مجازی و مالکیت فکری در فضای مجازی

در این قسمت، فضای مجازی و مالکیت فکری در فضای مجازی بررسی می‌شود.

۱-۱. فضای مجازی

cyber پیشوندی است که به لغات دیگر متصل می‌شود تا مفهوم رایانه‌ای یا همزمانی به آن‌ها بدهد. این پیشوند از کلمه‌ی cybernetics اقتباس شده و اشاره به مطالعه درباره‌ی مکانیزم‌هایی دارد که برای کنترل و مرتب‌سازی سیستم‌های پیچیده‌انسانی یا ماشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فضای سایبر یا فضای مجازی به کلیه‌ی محیط‌هایی مانند اینترنت اطلاق می‌شود که در آن، اشخاص توسط رایانه‌های به هم پیوسته با یکدیگر تبادل دارند. یکی از ویژگی‌های فضای مجازی، برقراری ارتباطات مستقل از فاصله فیزیکی است. این اصطلاح، نخستین بار به معنای شبکه‌ی واقعیت مجازی به اشتراک گذاشته شده و نتیجه‌ی تخیلات ویلیام گیسون بود و در زمانی با عنوان Neuromacer (۱۹۸۲) به کار رفت (Hasanavi & Farsani, 2010).

از اصطلاح «فضای سایبر» تعاریف مختلفی ارائه شده، در ادامه به برخی از این تعاریف اشاره خواهد شد: «۱. مجموعه به هم پیوسته‌ی موجودات زنده از طریق رایانه و ارتباطات راه دور، بدون در نظر گرفتن جغرافیای عینی، ۲. تمام محیط‌هایی مانند اینترنت که در آن اشخاص به وسیله رایانه‌های به هم پیوسته با یکدیگر تبادل دارند، ۳. اثر فضا و اجتماع شکل گرفته توسط رایانه، شبکه‌های رایانه‌ای و کاربران است. به عبارتی، دنیای مجازی که کاربران اینترنت زمانی که آنلاین هستند موجودیت می‌یابند، ۴. توهم و تصور باطل توافقی می‌باشد که انسان‌ها خلق کرده‌اند، ۵. یک ناحیه‌ی واقعی می‌باشد که فعالیت‌هایی در این فضا رخ می‌دهد، از جمله تبادل و تجمیع اطلاعات» (Bay & Pourghahramani, 2009) به نظر می‌رسد در وادی امر، ارائه‌ی مفهومی واحد و دقیق از «فضای سایبر» که مبتنی بر رعایت تمام جنبه‌های فنی دانش رایانه باشد، امری بسیار دشوار و پیچیده است. به طور کلی، «فضای سایبر به لحاظ فنی در دو حوزه قابل تفکیک است. فضای سایبر در معنای اخص به

محیط شبکه‌های رایانه‌ای اطلاق می‌شود. شبکه عبارت است از مجموعه‌ای از رایانه‌های متصل به یکدیگر که با استفاده از فناوری‌های مختلف قابلیت انتقال و تبادل اطلاعات میان آن‌ها وجود دارد (Pakzad, 2011). برای تحقق فضای سایبر در این معنا، کاربر الزاماً باید جزئی از یک شبکه‌ی رایانه‌ای باشد. یعنی زمانی که کاربر از دریچه‌ی رایانه‌ی شخصی خود اقدام به برقراری ارتباط و تعامل با دیگران یا انجام رفتاری نسبت به موضوعات یا اشخاص مختلف می‌نماید، بایستی مجموعه‌ای از رایانه‌های دیگر نیز با او مرتبط باشند گستردگی اعضای شبکه به لحاظ فاصله فیزیکی و نیز تعداد و نوع اعضاء تأثیری بر اطلاق عنوان فضای سایبر بر محیط شبکه پدید آمده نخواهد داشت» (Pakzad, 2011).

لذا کاربران شبکه‌ی جهانی اینترنت به عنوان یک شبکه‌ی بین‌المللی، کاربران شبکه‌های ملی، کاربران شبکه‌های محلی و حتی کاربران یک شبکه‌ی اداری یا دانشگاهی در فضای سایبر فعالیت می‌کنند.

«فضای سایبر در معنای اعم، شامل هر محیطی است که قابلیت پردازش اطلاعات را دارد، لذا صرف وجود فضایی که اطلاعات و داده‌های رایانه‌ای بتوانند در آن پردازش شده و مورد استفاده قرار گیرند، تحت عنوان فضای سایبر مطرح خواهد بود و لزومی بر اتصال به شبکه و ارتباط با رایانه‌های دیگر وجود ندارد» (Khoramabadi, 2004).

۱-۲. مالکیت فکری در فضای مجازی

«مهم‌ترین هدف هر نظام مالکیت فکری اطمینان دادن به پدیدآورنده است که به صورت انحصاری حق استفاده از منافع اقتصادی پدیده فکری خود را دارد. حقوق اقتصادی مالکیت فکری ناظر بر این هدف است و به پدیدآورنده حق انحصاری بهره‌برداری را برای مدت معین اعطا می‌کند. اما از آن جا که ماهیت پدیده‌های فکری و شیوه‌های بهره‌برداری متعارف است و با توسعه شیوه‌های چه بسا این حقوق نیز توسعه یابد. ضرورت وجود حق مالکیت فکری در فضای مجازی امروزه بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. از دیگر پیامدهای نامطلوب فن‌آوریهای جدید برای دارندگان حق مولف سهولت نقض حقوق کپی رایت در محیط‌های مجازی است. انواع آثار مشمول کپی رایت از قبیل تصاویر، متون، انیمیشن‌ها، نرم‌افزارها، آثار هنری و علمی و تصویری و غیره را می‌توان با فشار دادن یک دکمه در آن واحد برای کاربران متعدد در سراسر جهان فرستاد» (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۲-۳۷). «برخلاف سهولت نقض حقوق کپی رایت در محیط‌های الکترونیکی، جلوگیری از این نقض و جمع‌آوری آثار نقض شده با مشکلاتی مواجه است. اصولاً کاربران اینترنتی فاقد هویت مشخص بوده و در بسیاری از موارد با هویت مجهول وارد ارتباطات الکترونیکی و مبادلات اطلاعات می‌گردند. همین جهت شناخت ناقض حقوق کپی رایت به آسانی صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل است که در بحث نقض حقوق مالکیت فکری در محیط‌های مجازی مسئولیت واسطه‌های ارتباطاتی بیشتر مورد توجه و مطرح است. بنابراین فن‌آوریهای جدید به موازات فوایدی که برای دارندگان آثار ادبی و هنری داشته‌اند، این خطرات را نیز برای آنان ایجاد نموده‌اند که آثار مشمول کپی رایت آن‌ها با کمترین هزینه ولی با وسعت بسیار نقض گردند. به همین دلیل است که در قوانین بین‌المللی و ملی بسیاری از کشورها به اهمیت این موضوع توجه شده و راهکارهای قانونی مناسبی اتخاذ شده است. این حق مطابق دکترین حقوقی بایستی قابل اعمال در محیط‌های الکترونیکی باشد. با وجود این بایستی در خصوص حدود اعمال این حقوق و استثنائات و محدودیتهای آن در محیط‌های الکترونیکی، در قوانین ملی کشورها، مقررات خاصی وضع شود. به عنوان مثال در مواردی که نسخه‌برداری از یک اثر در حافظه‌ی کوتاه مدت رایانه به منظور انجام فعالیت‌های رایانه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است، آیا برای هر بار نسخه‌برداری برای چنین حافظه کوتاه مدتی بایستی مجوز لازم از مولف اخذ گردد؟» (Rahbar, 2005).

فعالیت هر فرد در فضای مجازی منجر به تولید، پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعاتی می‌شود که بی‌ارتباط با حقوق فرد در حریم خصوصی، مالکیت معنوی و حقوق مادی نیست. از دیگر سو یکی از دغدغه‌های اصلی انسان در زندگی اجتماعی حفظ حریم خصوصی از هر گونه تعرض است.

بنابراین حفظ حریم خصوصی و حمایت و حفاظت از داده‌ها و اطلاعات شخصی در فضای مجازی دغدغه‌ای است که باید برای رعایت آن و احقاق این حق راه‌حل شفافی ارائه نمود و در نظام حقوقی کشور اصول و قواعد پاسخگویی برای صیانت از این حق مهم پیش‌بینی کرد. در اسناد بین‌المللی حق حمایت از حریم شخصی افراد در برابر تجاوزات دیگران به ویژه دولت، نخستین بار در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) تحت عنوان احترام به زندگی شخصی و خانوادگی پیش‌بینی شد. این اعلامیه سرآغازی برای توسعه حمایت از این حق در تمام دنیا و به ویژه اروپا بود. پس از این اعلامیه، شورای اروپا در سال ۱۹۵۰ میلادی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تصویب کرد که در سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد (Ansari, 2002).

در حال حاضر تمام دولت‌های عضو، این کنوانسیون را به تصویب رسانده یا در قوانین داخلی خود اعمال کرده‌اند. وفق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر زندگی خصوصی و خانوادگی و حریم منزل افراد مورد حمایت است (Ansari, 2002). از این رو حق حمایت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی بخشی از حق بنیادین تعریف شده در این ماده است.

چنانکه دادگاه اروپایی حقوق بشر بسیاری از شرایطی را که موجب نقض حریم داده‌های شخصی بود مورد بررسی و صدور رأی قرار داده است؛ به ویژه شنود ارتباطات، اشکال مختلف پایش و نیز گردآوری و ذخیره داده‌های شخصی توسط مقامات عمومی. آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد که ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نه تنها دولت‌ها را از انجام رفتارهایی که تجاوز به حریم خصوصی اطلاعاتی است منع می‌کند بلکه این ماده دولت‌ها را به صورت ایجابی الزام می‌کند که به صورت فعالانه اقداماتی جهت ایمن نمودن موثر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد صورت دهد (Ansari, 2007).

رعایت حقوق مالکیت فکری در فضای سایبر عامل رشد انگیزه‌ها برای نوآوری و طرح کردن مبانی در فضای سایبر می‌شود و تا زمانی که این حقوق فردی در فضای سایبر برای افراد ناشناخته باشد، افراد احساس ناامنی در فضای اینترنتی می‌کنند. همچنین دارایی‌های فکری در فضای اینترنتی شامل اختراعات، نشانه‌های جغرافیایی و برخی محصولات خاص اسامی شرکت‌ها می‌شود و حقوق مالکیت فکری برای این است که افراد به آرامش خاطر برسند و این آرامش خاطر باعث گسترش کاربران اینترنتی شود. از طرف دیگر چند سالی است که مباحث مختلفی در رابطه با کسب و کار اینترنتی در ایران مطرح می‌شود و کارشناسان مختلف نسبت به خطرات این نوع از کسب و کار و تهدیدات و فرصت‌های آن نظراتی را بیان می‌کنند. در این روش کسب و کار، می‌توان از طریق یک وب‌سایت تجاری یک کسب و کار کوچک را با قابلیت دسترسی به بازارهای جهانی از طریق اینترنت فراهم کرد این نوع از کسب و کار و در عین جذابیت و کاربری بالا می‌تواند از جهات مختلفی هم خطرناک و تهدیدآمیز چه از لحاظ شخصی و چه از بعد امنیت کشور باشد و می‌تواند زمینه سوء استفاده برخی از افراد سودجو را فراهم کند (Pournouri, 2004).

۲. حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی در حقوق ایران

۲-۱. چگونگی حمایت از داده‌ها در فضای مجازی به طور کلی

«در ایران در دی ماه ۱۳۹۶، پیش نویس لایحه حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی در فضای مجازی توسط وزارت ارتباطات و با همکاری پژوهشگران تهیه و به منظور جمع آوری نظرات صاحب‌نظران منتشر شد. این سند بر اساس اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند منشور حقوقی شهروندی رئیس‌جمهور، مطالعات تطبیقی، بررسی خلأهای قانونی و رعایت اصول حمایت و حفاظت از داده‌ها و اطلاعات شخصی تهیه شده است. اصل محدودیت در جمع آوری اطلاعات، اصل کیفیت جمع آوری و استفاده از داده‌ها و اطلاعات، اصل مشخص بودن هدف از جمع آوری و استفاده از داده‌ها و اطلاعات، اصل محدودیت در استفاده و عدم افشاء (مگر به حکم قانون یا رضایت فرد)، اصل تضمین‌های حفاظت از داده‌ها و اطلاعات، اصل شفافیت اقدامات- ابزارها و ماهیت داده‌های هدف، اصل لزوم جلب مشارکت فردی و اصل پاسخگویی در قبال اجرای سایر اصول، از جمله اصل‌های در نظر گرفته شده برای تدوین این لایحه محسوب می‌شوند» (Sadeghi, 2014).

«لذا با عنایت به اهمیت این موضوع که در کنار توسعه روز افزون شبکه ملی اطلاعات و کاربرد خدمات الکترونیکی دغدغه‌های کاربران نسبت به حفاظت از داده‌ها و اطلاعات شخصی در فضای مجازی بیشتر می‌شود؛ لازم است این پیش نویس پس از فرآیند نهایی شدن، در دستور کار دولت برای طی مراحل قانونی ارائه این لایحه به مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. دولت به منظور کسب نظر در جهت تکمیل و اصلاح این پیش نویس قانونی از کلیه صاحب‌نظران دعوت به نقد و بررسی نموده است تا یاریگر دولت در نهایی شدن این سند مهم باشند. لایحه مشتمل بر پنج باب است که نظیر دیگر قوانین ابتدا به مفهوم شناسی و تعاریف از جمله تعریف واژه داده شخصی، پردازش، کنترل‌گر و فضای عمومی مجازی پرداخته شده است، تعاریف واژه‌های مرتبط، در لوایح تخصصی نظیر این لایحه اهمیت بیشتری نسبت به قوانین دیگر دارد چرا که حاوی اصطلاحات تخصصی مربوط به آن حوزه و لازم است فارغ از منظر حقوقی، از متخصصین این رشته استفاده شود» (Zarei Mazraeche, 2011).

بهتر بود قبل از همه این تعاریف، تعریفی ساده و قابل فهم از داده ارائه می‌شد، اگر بخواهیم در اینجا یک تعریف پیشنهادی ارائه دهیم، می‌توان گفت: «به مجموعه‌ی اطلاعات که (به وسیله‌ی دستگاه‌های ورودی) وارد رایانه می‌شوند، تا عملیات مشخصی روی آن‌ها انجام شود، داده می‌گویند». داده‌ها می‌توانند اعداد، اسامی، تصویر، و یا حتی رنگ باشند. استفاده از داده در جهت کسب درآمد یا تحصیل هر نوع منفعت مادی و معنوی دیگر و با هر هدفی صورت می‌گیرد. در بند ۲ ماده ۱ «پردازش» تعریف شده است. «عبارت است از هر نوع جمع‌آوری، دریافت، ارسال، نگهداری، تبادل، به اشتراک گذاشتن یا هر نوع عملیات دیگر اعم از الکترونیک یا غیرالکترونیک که بر داده انجام شود و بتوان آن داده را به شخص و موضوع آن مرتبط کرد».

همانطور که ملاحظه می‌شود در آخر این بند آمده «...و بتوان آن داده را به شخص و موضوع آن مرتبط کرد.» «سوال اساسی آن است که اگر نتوان داده را به شخصی مرتبط کرد آیا پردازشی صورت پذیرفته است؟ اگر این پردازش بدون ارتباط را به رسمیت نشناسیم چگونه اطلاعات جدید را از داده‌های جمع‌آوری شده استخراج نماییم، آیا این اطلاعات فاقد ارزش هستند؟ آیا این اطلاعات مورد حمایت قانونی نخواهند بود؟ در تعاریف آمده در بندهای ۷ گانه ماده یک ابهامات بسیاری وجود دارد که می‌بایست تعیین تکلیف شود. می‌توان تعریف ساده و جامعی بدین شکل از پردازش ارائه نمود: مجموعه عملیاتی که روی داده‌ها انجام می‌گیرد تا هدف مشخصی به دست آید، پردازش گفته می‌شود. پردازش می‌تواند مرتب‌سازی داده‌ها، جستجو در بین آن‌ها، محاسبات یا هر عمل دیگری باشد. در واقع در نتیجه پردازش داده‌هاست که اطلاعات به دست می‌آید به عبارتی به داده‌های پردازش شده که معنی و مفهوم خاصی را منتقل می‌کند، اطلاعات می‌گویند» (Bakhtiarvand, 2015a, 2015b).

«در بند ۵ ماده ۱ کنترل‌گر تعریف شده است و این تعریف از این جهت دارای اهمیت است که بسیاری از عملکردها و فرآیندهای پیش بینی شده در این قانون توسط کنترل‌گر صورت می‌پذیرد، حال آنکه در این تعریف کاستی‌هایی وجود دارد به طور مثال آمده است «کنترل‌گر» عبارت است از هر شخص حقیقی و حقوقی که براساس قرارداد یا قانون یا در عمل هدف و چگونگی ثبت و پردازش داده را تعیین می‌کند، به عبارت دیگر یعنی کنترل‌گر دخالتی در امور اجرایی نداشته و فقط تعیین کننده خط مشی است و البته معلوم نیست منظور از چگونگی ثبت و پردازش داده چیست؟ آیا منظور از ثبت همان ایجاد داده است؟ در صورتی که این تعریف به صورت صحیح اصلاح نگردد از نظر حقوقی کنترل‌گر با استمساک به این تعریف می‌تواند بسیاری از وظایف قانونی و عدم تعهد به وظایف را توجیه نماید که این امر بسی خطرناک و آسیب‌زا است» (G. Zaker Salehi, 2014; M. Zaker Salehi, 2014).

«ایجاد، پردازش و استفاده از داده‌های شخصی باید مبتنی بر رضایت صریح یا ضمنی اشخاص موضوع آن باشد کنترل‌گر باید پیش از ایجاد، پردازش یا استفاده از این داده‌ها، هدف معین و قانونی خود از این امور و همچنین حسب مورد عواقب عدم ارائه این داده‌ها را به نحو صریح اعلام کند. در لایحه کمیسیونی پیش بینی شده است که نظارت بر اجرای مقررات حمایت از داده‌های شخصی افراد را بر عهده دارد. تصمیمات این کمیسیون قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است و همچنین پیش بینی شده است. در جهت حمایت و محافظت متناسب با موضوع برخی از انواع داده‌های شخصی به لحاظ اهمیت آن‌ها یا نقش آن نوع داده‌ها در شرایط خاص سیاسی یا اجتماعی، کمیسیون مرکزی حمایت از داده‌ها، می‌تواند اعلام رضایت شخص موضوع داده برای افشای اطلاعات خود را از طریق الکترونیک معتبر نداند. معلوم نیست که به چه دلیل اختیارات بسیار زیادی به کمیسیون در خصوص عدم اعتبار به رضایت شخص مبنی بر ایجاد داده یا پردازش داده شده است. در هر صورت فردی که داده‌های شخصی او پردازش یا استفاده می‌شود نباشد از این اقدام متضرر شود و در صورت ورود خسارت متعارف مادی یا معنوی، کنترل‌گر مکلف به جبران متناسب با آن ضرر است مگر اینکه شخص موضوع داده رضایت صریح یا ضمنی خود را به ورود خسارت احتمالی اعلام کرده باشد» (Mahmoudi, 2012).

«اگر ورود خسارت مستند به فعل شخصی غیر از کنترل‌گر باشد در صورتی که کنترل‌گر اقدامات متناسب برای محافظت از داده‌ها را انجام داده باشد شخص ثالث مکلف به جبران خسارت و در غیر این صورت، کنترل‌گر جبران خسارت می‌نماید و می‌تواند خسارتی را که پرداخت نموده است از او مطالبه کند. در بند ۷ ماده ۳ تنها به جبران خسارت متعارف بسنده شده است، حال آنکه اگر خسارت نامتعارف بود چگونه عمل خواهد شد؟ در رابطه با بحث حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، با توجه به اینکه امروزه بیشتر ارتباطات و امور به وسیله اشخاص حقوقی انجام می‌گیرد؛ باید قائل بر این بود که بحث حمایتی در رابطه با اشخاص حقوقی به مراتب اهمیت بیشتری می‌یابد. در ماده ۲ لایحه اشاره شده است که این قانون برای محافظت از حریم داده‌های شخصی و حمایت از حیثیت و کرامت هر فرد ایجاد شده است، سوال آنکه پس وضعیت اشخاص حقوقی و صیانت از اسرار تجاری و یا برند آن چگونه خواهد بود؟ با توجه به توسعه کسب و کارهای اینترنتی بسیار زیاد و فعالیت شرکت‌های سستی در این فضا آیا نیازی به حمایت از داده‌های شخصی این گونه شرکت‌ها ملاک نبوده است؟ همچنین در قسمت اخیر این ماده آمده «...هر ذی نفعی می‌تواند بر پردازش داده‌های شخصی نظارت داشته باشد»، اما چگونگی این نظارت با عنایت به پیچیدگی‌های فنی بیان نشده است حال آنکه در این ماده از عبارت «هرکس» به جای «هرشخص» استفاده شده است که خود دارای بحث‌های عمیق حقوقی است، زیرا که باز محدودیتی برای اشخاص حقوقی ایجاد نموده و از آنان حمایتی به عمل نمی‌آورد. البته اینکه پردازش داده‌های شخصی اشخاص حقوقی نباید موجب نقض حقوق و یا افشای داده‌های شخصی حقیقی شود از موضوعات قابل توجه است لیکن این بحث

که در صورت ضرر به اشخاص حقوقی چگونه باید جبران خسارت نمود، به طور واضح و مبرهن در متون حقوق تعیین تکلیف نشده است» (Zarei Mazraeche, 2011).

«البته جهت افشای اطلاعات داده‌ها، نمی‌توان متحجرانه و خشک تصمیم گرفت چرا که علاوه بر اینکه پردازش برخی از این اطلاعات که کاملاً جنبه شخصی ندارد، جهت بررسی‌های آماری یا پژوهش‌های علمی یا تاریخی، نیاز است، گاهی نیز لازم است قانونگذار پردازش یا استفاده از آن‌ها را برای هدف خاصی تجویز کند و یا حتی برای حفظ حیثیت یا جان شخص موضوع داده ضروری باشد در یک سری موارد داده‌های شخصی باید به گونه‌ای پردازش و استفاده شوند که شخص موضوع داده قابل شناسایی نباشد» (G. Zaker Salehi, 2014; M. Zaker Salehi, 2014).

«در لایحه داده‌هایی به عنوان داده حساس احصاء شده است مانند داده‌های مرتبط با عقاید سیاسی، حزبی، فلسفی، دینی یا مذهبی، قومیت، وضعیت جسمانی، رفتارهای جنسی، اتهامات و محکومیت‌های کیفری که این داده از جهت حفظ و حمایت در مرتبه خاصی قرار می‌گیرند و افشای اطلاعات حساس مجاز نیست مگر مواردی که در قانون به صورت انحصاری احصاء شده است مانند ضرورت حفظ جان فرد، کشف جرم یا اجرای مجازات، اعلام رضایت فرد. اولاً در تعریف این داده‌ها ابهام و اشکالاتی وجود دارد، در بند ۲ ماده ۱۵ داده‌های حساس تعریف شده است و در بند ۱ ایجاد، پردازش و استفاده از این نوع اطلاعات ممنوع اعلام شده است حال آنکه اطلاعات مالی در این بند به چشم نمی‌خورد و وضعیت جسمانی نیز جزء اطلاعات حساس قلمداد شده است. در حالی که دریافت اطلاعات جسمانی می‌تواند در تعیین خط مشی‌ها و توازن در ارائه خدمات بهداشتی و شهروندی از اهمیت فراوانی برخوردار باشد. جالب آنکه محکومیت‌های کیفری جزء داده‌های حساس است در حالی که این اطلاعات در سجل کیفری می‌بایست قهراً ثبت و قابل استعلام مراجع گوناگون باشد» (Zarei Mazraeche, 2011).

ثانیا «در بند ۵ ماده ۲ لایحه، افشای این داده‌های حساس را در صورتیکه برای حفظ نظم عمومی یا امنیت ملی ضروری باشد؛ مجاز دانسته که به نظر می‌رسد این بند بسیار به صورت کلی و قابل تفسیرهای متعدد بوده و زمینه را برای تفسیر موسع این ماده باز می‌کند که این امر در حفظ حریم خصوصی افراد روا نیست و نیازمند بازنگری است. به طور کلی در بندهای ۴ گانه ماده ۱۲ فرایندی پیش بینی شده است که با تفسیر موسع می‌توان بیان کرد که کالا و اصالتاً می‌توان بدون رضایت به داده‌ها دسترسی پیدا نمود. لیکن از طرفی در جهت حفظ و حمایت از این نوع از داده‌ها، مواد مرتبط با این داده‌ها، در لایحه امری شناخته شده است، به گونه‌ای که در ماده ۲۳ تصریح شده است که در قراردادهای فی مابین کنترل‌گر و شخص موضوع داده، ماده ۱۵، ۱۶ و ۱۷ رعایت می‌شود- به عبارتی دیگر نمی‌توان بر خلاف این مواد قانونی توافق نمود. استفاده از داده‌های شخصی جهت امور تبلیغاتی نیز در صورتی مجاز دانسته شده که شخص موضوع داده رضایت صریح یا ضمنی به این امر داشته باشد» (Jafari Langroudi, 2002).

۲-۲. حمایت از داده‌ها در فناوری اطلاعات

«این حمایت می‌تواند مربوط به کپی برداری داده‌ها باشد. آن‌ها در احیای داده‌های اصلی نقش مهم دارند. این نسخه‌های اضافی حمایتی هستند. آن‌ها دو هدف دارند. اولین هدف شامل بازیافت کامپیوتر است و در حالت دوم چند فایل بازیافت خواهد شد. این نوع حمایت آخرین خط تدافعی را تشکیل می‌دهد. در نهایت می‌توان به یک فرایند گرانولیته دست یافت. نیاز به ذخیره داده‌ها نیز نباید نادیده گرفته شود. سازماندهی ذخیره می‌تواند یک عامل مهم در حمایت از فرایند باشد. مدل ذخیره می‌تواند ساختار محل را تغییر دهد» (حسنوی و فرسائی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۷).

۱۵۶). «چندین روش برای آرایش داده‌ها در محل‌های متفاوت وجود دارد. قبل از تعیین محل، لازم است استخراج و انتخاب داده‌ها عملی شود. روش‌های زیادی در بهینه کردن داده‌ها وجود دارند. سازمان‌هایی برای فایل‌ها و منابع داده‌ای طراحی شده‌اند و رمزبرداری یک فرایند مهم در این زمینه است البته اقدامات سنجش و اعتبارسازی نیز در نظر گرفته شوند. بنابراین باید گفت محدودیت‌ها و عوامل انسانی در طرح حمایتی نقش بالقوه دارند. به علت همپوشی در این فناوری، سیستم‌های حمایتی با سیستم آرشیو اشتباه می‌شود. حمایت با دیگر فرایندها تفاوت دارد به این معنا که آرشیوها کپی اولیه داده‌ای هستند. سیستم حمایتی با سیستم مقاوم نقص تفاوت دارد و سیستم حمایت نشان می‌دهد که یک نقص می‌تواند عامل ضعف داده‌ای باشد. در مدیریت فرایند حمایت لازم است. حمایت به عنوان یک فرایند شناخته شود. وقتی داده‌های جدید تولید شوند و تغییر عملی شود این نوع حمایت‌ها نیاز به ارتقا دارند. افراد و سازمان‌هایی که به دنبال ثبت سیستم کامپیوتری هستند نیازهای حفاظت را برآورده می‌سازند. اهداف و محدودیت‌ها یکی هستند. کسانی که این عمل را انجام می‌دهند در اغلب موارد موفق عمل می‌کنند» (Sadeghi, 2014).

۲-۳. خلاقیت و نوآوری در حیطه تکنولوژی

از آنجا که تکنولوژی به عنوان عامل اصلی و موتور توسعه اقتصادی در جهان امروز مشخص است. وجود حق مالکیت در زمینه تحقیق و توسعه آن به عنوان رکن اساسی برای حفظ سودآوری آن محسوب می‌شود.

لذا بر این اساس برای حفظ تکنولوژی به عنوان یک کالای اقتصادی از سرقت نیاز به وضع قوانین ویژه و مربوط به حوزه تخصصی آن می‌باشد. بر این اساس در معاهدات بین‌المللی قانون مالکیت معنوی پذیرفته شده است؛ اما این قانون به طور کامل نتوانسته همه حوزه‌های کالای امروزی را پوشش دهد و از طرفی ضعف نظارتی در آن به چشم می‌خورد. از طرفی دیگر حقوق ایران با تأسی از معاهدات بین‌المللی و با استفاده از قانون تجارت الکترونیک و مبارزه با جرائم رایانه اقدام حفظ مالکیت معنوی در ایران نموده است؛ اما در مورد انتقال تکنولوژی نمی‌توان مطمئن بود که این قانون از جمعیت کافی برخوردار باشد. همچنین می‌توان بیان داشت که انتقال تکنولوژی تحت شرایط خاصی قرار دارد که با توجه به نوع تکنولوژی مورد بحث متفاوت است بنابراین انتظار می‌رود که قانون ایران این موضوع را به طور دقیق مورد بازبینی قرار داده باشد.

در حقیقت در ارتباط با انتقال تکنولوژی «حقوق مالکیت معنوی یا حقوق مالکیت فکری» در دو معنای متفاوت به کار رفته به گونه‌ای که در یکی مقسم واقع شده و در دیگری قسیم می‌باشد، به این معنی که تعاریفی که در آن‌ها به حق غیرمادی اشاره شده و حقوق معنوی را به حق مادی منحصر دانسته، حق معنوی با حق اخلاقی یکی گرفته شده و به تعریف آن اقدام شده است، در صورتی که در تعریف اخیر به دو بعد مادی و معنوی حق یاد شده اشاره گردیده و نشانگر آن است که «حقوق مالکیت معنوی یا فکری» مقسم واقع شده است. بر این اساس مفهوم انتقال تکنولوژی ارتباط بسیار محکمی با مفاهیم و مبانی کارکردی مالکیت معنوی و مالکیت فکری دارد (Naghbi, 2006).

«در ایران نخستین حرکت جدی در تولید حقوق مالکیت معنوی در سال ۱۳۰۴ شمسی انجام شد؛ اما به علت جامع نبودن در تیرماه سال ۱۳۱۰ قانونی در ۵۱ ماده به نام قانون ثبت علائم و اختراعات تصویب شد. قانون فوق برگرفته‌ای از کنوانسیون بین‌المللی پاریس بود و به موجب آن کسانی که در ایران دارای مؤسسات تجاری، صنعتی یا فلاحتی بودند، اعم از به گونه‌ای داخله یا خارجه در صورتی که علائم تجاری آنان موافق مواد این قانون ثبت می‌شدند از مزایای آن برخوردار می‌شدند. سرانجام در سال ۱۳۴۲ وزارت اطلاعات لایحه‌ای با عنوان مالکیت ادبی و هنری در ۷۹ ماده تهیه کرد که به تصویب نرسید اما مقدمه‌ای شد برای لایحه‌ای که در ۱۳۴۸ توسط وزارت فرهنگ و هنر ارائه شد و تحت

عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان منتشر شد؛ اما در این قانون حقوق پدیدآورندگان سایر کشورها در نظر گرفته نشده بود و مراجعات و مکاتبات متعددی از سوی کشورها و مراجع بین‌المللی صورت گرفت و شماری از مؤلفان خارجی نیز در ایران طرح دعوا کردند که به دلیل سکوت قانون به آن ترتیب اثر داده نشد» (Ghadiri Javid, 2007). «بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۹ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری به تصویب رسید. جمهوری اسلامی همچنین در سال ۱۳۸۰ به عنوان صد و هفتاد و ششمین کشور به سازمان جهانی مالکیت معنوی ملحق شد، البته این عضویت به معنای الحاق به همه کنوانسیون‌های آن نیست. ایران پیش از انقلاب به کنوانسیون پاریس ملحق شد و بعد از انقلاب نیز این الحاق را تمدید کرد، ولی هنوز به کنوانسیون برن یا همان حق مؤلف (کپی رایت) نپیوسته است» (Ghadiri Javid, 2007).

از آنجا که قانون ایران به طور مستقیم از فقه امامیه نشأت گرفته است لذا در خصوص مالکیت معنوی نیز از این امر مستثنی نبوده است بر این اساس بررسی مفهوم فقهی و ریشه مبانی مالکیت معنوی در امر قانون‌گذاری آن تسهیلات بیشتری ایجاد می‌کند لذا در این پژوهش به بررسی دیدگاه فقه امامیه در مورد انتقال تکنولوژی به عنوان مالکیت معنوی می‌پردازد.

۲-۳. حمایت از داده‌ها در فضای مجازی

حقوق شخصی یا خصوصی حقوقی است که به رابطه شخص با فرد خاص یا مال و یا اشخاص دیگر می‌پردازد؛ افراد در این ارتباطات که لازمه ادامه زندگی اجتماعی است ملزم به رعایت و احترام گذاشتن به حقوق یکدیگر هستند. در سال‌های اخیر با گسترش اینترنت و فضای سایبر در سطح جهان مباحث مختلفی از جمله رعایت حقوق افراد در فضای سایبر و حق مالکیت مطرح شده است که در ایران از حدود با تصویب مصوبه‌ای در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر ضرورت رعایت حقوق افراد در اینترنت این روند شتاب بیشتری گرفته است. «قانون تجارت الکترونیکی اولین و مهم‌ترین قانونی است که فصل مستقلی را به بحث حقوق مالکیت معنوی از جمله حق مؤلف در محیط‌های الکترونیکی اختصاص داده است. براساس ماده ۶۲ حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، در صورتی که به صورت داده پیام باشند از قبیل اطلاعات، نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای، ابزار و روش‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده مشمول حمایت‌های مقرر در قوانین سه‌گانه صدرالذکر می‌باشند» (Sadeghi, 2014).

«از طرفی در ماده مزبور شمول قانون علایم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آیین‌نامه اصلاحی اجرایی قانون ثبت علایم تجارتي و اختراعات مصوب ۱۳۳۷ آثار و اختراعات و علایم تجاری الکترونیکی پیش‌بینی شده است. هر چند تاکنون قانون جامعی در خصوص جرائم اینترنتی در کشور ما تصویب نشده اما با این حال، این امکان برای هر شهروندی وجود دارد که در صورت پایمال شدن حق و حقوق عمومی و خصوصی‌اش در فضای اینترنت دست به دامان دستگاه قضایی شود. با تکمیل و اصلاح هرچه زودتر لایحه پیش‌نویس حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی که جز با یاری خبرگان و صاحب‌نظران حقوقی و پژوهش‌های دانشجویی (به خصوص به صورت مطالعه تطبیقی) میسر نیست» (Aslani, 2002)؛ به خصوص تصویب هرچه زودتر آن، امید است شاهد مدون نمودن قوانین مرتبط در این زمینه باشیم. در پی این مهم، پیش‌بینی کمیسیون‌ها و مراجع حل اختلاف تخصصی صدور آراء منصفانه و مبتنی بر دانش در این زمینه را بیش از پیش میسر می‌سازد.

۳. حمایت از حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی در اسناد بین‌المللی

«در مورد حمایت مالکیت فکری قوانین گوناگونی در سطح جهان وضع شده است؛ ولی علت عمده و اصلی چنین امری به خاطر دو دلیل می‌باشد؛ اولاً بیان کردن قالب قانونی حقوق معنوی و اقتصادی افراد خلاق در ارتباط با آنچه که خلق می‌کنند و حقوق عموم افراد برای دسترسی به ماحصل و دستاورد این افراد و ثانیاً گسترش و ترویج خلاقیت‌ها و کاربردی کردن نتایج آن‌ها و نیز تشویق تجارت منصفانه که در رشد اقتصادی و اجتماعی مؤثر خواهد بود» (Hovai, 2009). «در سطح بین‌الملل بیش از یک قرن است که شاهد انعقاد موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی هستیم و به منظور حمایت از حقوق دارندگان مالکیت‌های معنوی و تسهیل اجرای مقررات آن‌ها در سرمایه‌گذاری بین‌المللی تدوین و لازم‌الاجرا شده است که مهم‌ترین این پیمان‌ها، کنوانسیون پاریس (۱۸۸۳ م) حمایت از حقوق مالکیت معنوی به عنوان بخش جدیدی از نهاد مالکیت و مشتمل بر مالکیت صنعتی، ادبی و هنری برای حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری، اختراعات، علائم تجاری، نشانهای جغرافیایی و غیره در سطح بین‌المللی، از قرن نوزدهم به بعد و با تصویب دو کنوانسیون بین‌المللی مهم یعنی کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی، در سال ۱۸۸۳ و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری در سال ۱۸۸۶ نهادینه و با مرور زمان متحول شده است» (Kargar Shouraki, 2006). «و در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی اختراعات وین، بسیاری از هنرمندان و مخترعان اروپایی به دلیل ترس از به سرقت رفتن ایده‌های خود و همچنین، امکان سوءاستفاده و بهره‌برداری تجاری، از حضور و شرکت در این نمایشگاه خودداری کردند؛ این رویداد موجب شد تا ده سال بعد از این، کنوانسیون پاریس با پذیرش از سوی ۱۴ دولت عضو، الزام‌آور شد و در سال ۱۸۸۶ میلادی، کپی‌رایت نیز در عرصه حقوق بین‌المللی مطرح گردید و به منظور حمایت از «برن» آفریده‌های ادبی و هنری در قالب کنوانسیون مورد توجه قرار گرفت» (Zarei Dowlatabadi, 2007).

۳-۱. کنوانسیون پاریس

«کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۳ منعقد شد و طی تجدیدنظرها و اصلاحاتی در مادرید (۱۸۹۱)، بروکسل (۱۹۰۰) و واشنگتن (۱۹۱۱)، لاهه (۱۹۲۵)، لندن (۱۹۳۴)، لیسبون (۱۹۵۸)، استکهلم (۱۹۶۷) و (۱۹۷۹) تکمیل گردید. در سال ۲۰۰۶ تعداد ۱۷۷ کشور عضو این کنوانسیون بودند. همه دولتها، اعم از اینکه عضو سازمان جهانی مالکیت فکری باشند یا نباشند، می‌توانند به عضویت کنوانسیون مزبور درآیند، کما اینکه ایران پیش از الحاق به سازمان جهانی مالکیت فکری از سال ۱۳۳۷ به این کنوانسیون پیوسته است. کنوانسیون پاریس ناظر بر مالکیت صنعتی در مفهوم وسیع آن است و به عنوان سندی پایه در این زمینه، موضوعاتی از جمله اختراعات، علائم، طرح‌های صنعتی، مدل‌های اشیاء مصرفی (نوع اختراعات کوچک)، اسامی تجاری، نشان‌های جغرافیایی (نشان‌های منبع و اسامی مبدأ) و جلوگیری از رقابت غیر منصفانه را در بر می‌گیرد. مقررات ماهوی کنوانسیون در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند: رفتار ملی، حق تقدم و قواعد مشترک» (Fathi Zadeh, 1999, 1997).

«کنوانسیون برخی قواعد مشترک را در مورد موضوعات مالکیت صنعتی مقرر می‌دارد که همه طرف‌های متعاقد باید از آن‌ها تبعیت نمایند. مهم‌ترین این قواعد ناظر بر موارد زیر هستند: اختراع اجمالاً عبارت است از ابداع یک محصول صنعتی جدید یا کشف هر وسیله نوین یا اعمال وسایل موجود به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی و کشاورزی. این تعریف در هر کشوری تا حدودی تفاوت دارد و دایره آن، وسعت و ضیق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، قوانین کشورهای گوناگون، علی‌رغم مشابهتی که با هم دارند، در ضوابط تحقق اختراع کاملاً یکسان و یکنواخت نیستند. برای مثال، در ژاپن پدیدآوردن یک ایده در سطحی بسیار پیشرفته را اختراع می‌دانند در حالی که، در امریکا چنین قیدی وجود ندارد و صرفاً نو بودن اثر ملاک است» (Sadeghi, 2014).

«این تفاوت از آنجا حایز اهمیت است که به محض ثبت شدن موردی برای اختراع، حقوق انحصاری شدیدی برای مخترع آن به وجود می‌آید و افراد جامعه موظف به رعایت آن هستند؛ یعنی از تولید و عرضه محصول مشابه منع می‌گردند. حال اگر مورد ثبت شده از لحاظ علمی اهمیت زیادی نداشته باشد، ممکن است بسیاری از افراد جامعه آن را در جریان کار و فعالیت داخل کنند. ولی اکنون مجبور هستند برای استفاده از روش و پدیده‌ای عادی، از مخترع اجازه بگیرند؛ مخترعی که کار فوق‌العاده‌ای نکرده و فقط در مراجعه به اداره ثبت پیشی گرفته است» (Zarei Mazraeche, 2011).

«بررسی حقوق ملی کشورها در زمینه حق مخترع، از نظر متن قوانین و رویه‌های مستقر آن‌ها در این زمینه، نشان می‌دهد که تا آنجا که به ضوابط مربوط می‌شود همگی تقریباً مشابه هستند، ولی پیشرفت فن‌آوری موجب بروز اشکال در تطبیق آن ضوابط بر موارد جزئی و مصادیق می‌شود. ضوابط تحقق اختراع از دیدگاه قانون عبارت است از: الف. مفید بودن؛ ب. معمولی نبودن؛ ج. کاربرد صنعتی داشتن؛ این قید از موارد متفاوت بین موضوعات حق مخترع و حق مؤلف و امثال آن است. به موجب این قید، نظریات و اکتشافات علمی صرف اختراع محسوب نمی‌گردند. همچنین ایده، اختراع محسوب نمی‌شود و قابل حمایت نیست. د. جدید و نو بودن: این ضابطه بیش‌تر جنبه شکلی دارد تا ماهوی. به عبارت دیگر، اگر اثری همه شرایط اختراع محسوب شدن را داشته باشد ولی مخترع پیش از ثبت کردن، آن را مورد بهره‌برداری قرار دهد، پس از مدتی که احتمال فاش شدن اسرار فنی و پیدایش رقبای تجاری به وجود آید اقدام به ثبت اختراع نماید، قانون از چنین پدیده‌ای به عنوان اختراع حمایت نخواهد کرد.

این نکته از موارد اختلاف اختراع محسوب شدن اثری در عرف و قانون است. غرض قانونگذار از حمایت از مخترعان، حمایت از جامعه و پیشرفت فن‌آوری نیز هست و لذا در ازای تحصیل اطلاعات فنی و در اختیار عموم قرار دادن آن‌ها، حق مخترع را اعطا می‌کند» (Fathi Zadeh, 1997). در مواردی که یک علامت به نحو مقتضی در کشور مبدا به ثبت رسیده باشد، در صورت درخواست باید اظهارنامه مربوطه در سایر کشورهای متعاقد پذیرفته شود. مع هذا ثبت چنین علامتی علی‌رغم قبول اظهارنامه ممکن است در موارد مشخصی رد شود، مثلاً هنگامی که این علامت حقوق مکتسبه اشخاص ثالثی را نقض کند یا فاقد خصوصیت متمایز کننده باشد یا در تعارض با نظم عمومی یا اخلاق حسنه قرار گیرد یا عموم را دچار اشتباه کند.

به علاوه برخی نشانه‌ها، انگ‌ها یا سمبل‌ها نمی‌توانند به عنوان علامت ثبت شده و مورد حمایت قرار گیرند. سرانجام علائم جمعی همانند سایر علائم می‌توانند ثبت شوند. «در خصوص این طرح‌ها کنوانسیون پاریس مقرر می‌دارد که آن‌ها باید در هر کشور متعاقد مورد حمایت قرار گیرند و نمی‌توان از این حمایت به این دلیل که کالاهای حاوی در کشور مورد نظر ساخته نشده‌اند، خودداری ورزید. به موجب کنوانسیون پاریس کشورهای متعاقد باید از اسامی تجاری بدون اینکه الزام به تسلیم اظهارنامه یا ثبت آن‌ها باشد، حمایت به عمل آورند. کنوانسیون پاریس مقرر می‌دارد که هریک از کشورهای متعاقد باید تدابیری را علیه استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از یک نشانه منع نادرست در مورد کالاها یا هویت تولیدکننده، سازنده و یا تاجر، اتخاذ کنند» (Bakhtiarvand, 2015a, 2015b).

«طبق مقررات کنوانسیون پاریس در هر کشور متعاقد باید حمایت مؤثری برای مقابله با رقابت غیرمنصفانه به عمل آورد. از لحاظ تشکیلات، کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی دارای یک مجمع و یک کمیته اجرائی است. هر دولت عضو اتحادیه که حداقل مقررات اجرائی و پایانی سند استکهلم (۱۹۶۷) از کنوانسیون پاریس را پذیرفته باشد، عضو مجمع محسوب می‌شود، به جز کشور سوئیس که به اعتبار

سمت خود همواره در کمیته اجرائی عضویت دارد. سایر اعضای کمیته را کشورهای عضو اتحادیه بر می‌گزینند. تهیه برنامه و بودجه دو سالانه سازمان جهانی مالکیت فکری، تا آنجا که به اتحادیه پاریس مربوط می‌شود، به عهده مجمع قرار دارد» (Erfani, 2002).

۲-۳. حمایت از مالکیت فکری در فضای مجازی در سازمان جهانی دارائی فکری

پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در عرصه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گاهی باعث استفاده‌های غیرقانونی از دستاوردهای علمی و فناوری بشر شده است که در برخورد این امور غیراخلاقی حتی تعدادی از کشورهای پیشرفته نیز در به روز کردن مقررات و داشتن قوانین برای دادگاه‌های خود عاجز مانده‌اند (Elmi, 2009).

در تاریخ بیستم اسفند ماه ۱۳۹۰، شرکت یاهو شکایتی از فیس‌بوک و ادعا کرد که فیس‌بوک نمود بسیاری از گزینه‌های شرکت یاهو را کپی کرده است و مشابه آن را ساخته و در صفحه اصلی شبکه اجتماعی خود قرار داده است. قاضی دادگاه بعد از وصول شکایت، بلافاصله اعلام کرد که نه برای چنین شکایتی قانونی وجود دارد و نه کارشناسان توانایی تشخیص چنین ادعایی را دارند. ولیکن اینها نکات با اهمیتی است که لازم است از نظر حقوقی مورد توجه قرار گیرد. امروزه، این موارد و موارد گوناگون دیگری وجود دارد که کشورهای مختلف جهان حتی کشورهای پیشرفته نیز با این چالش روبه رو هستند و نمی‌توانند با قوانین کلی حقوق مالکیت معنوی برای تمام پرونده‌ها قضاوت کنند.

چرا که دنیای علم هر روز در حال تغییر و تحول است و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و این دنیای متحول، روزانه در حال زایش اصطلاحات جدید و نو می‌باشد. از طرفی، معاهدات، کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی حقوق مالکیت فکری نیز از دو قرن پیش، تمایل کشورها برای متحدالشکل کردن قوانین داخلی و بین‌المللی در زمینه حمایت از مقولات مربوط به مالکیت فکری افزایش یافت و این مسئله را می‌توان نتیجه شکست نمایشگاه بین‌المللی اختراعات و ابداعات وین ۱۸۷۳ دانست (Emami, 1992).

به عبارت دیگر، «پیدایش سازمان جهانی دارائی فکری به رویدادی در سال ۱۸۷۳ باز می‌گردد. در این سال نمایشگاهی تحت عنوان نمایشگاه بین‌المللی مبتکرین در وین برگزار گردید. اغلب مدعوین این نمایشگاه را به دلیل «سرقت افکار» و عدم احترام به اموال معنوی تحریم نمودند. در پی تلاش‌های صاحب‌نظران ده سال بعد کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۶ برای حمایت از دارائی فکری برپا گردید و کشورهای عضو برای انجام وظایف، اداره بین‌المللی ایجاد نمودند. در سال ۱۸۸۶ کنفرانس برن با هدف حمایت از آثار ادبی و هنری پا به عرصه ظهور گذاشت و اداره‌ای نیز برای انجام امور اداری آن ایجاد گردید. در سال ۱۹۶۷ کنوانسیون به نام تأسیس سازمان جهانی دارائی فکری در استکهلم با هدف ایجاد هماهنگی بین این دو اداره و توسعه ابزار لازم برای انطباق و روزآمد نمودن آن‌ها تشکیل گردید و در سال ۱۹۷۰ به نام Wipo آغاز بکار نمود» (Caswell & Day-Rubenstein, 2006).

«در سال ۱۹۷۴ این سازمان به عنوان یکی از شانزده آژانس وابسته به سازمان ملل معرفی گردید تا بتواند فعالیت‌های دارائی فکری را ارتقاء بخشد و انتقال تکنولوژی را به کشورهای در حال پیشرفت تسهیل نماید و بدینوسیله توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را ایجاد نماید. طبق ماده ۲۷ منشور حقوق بشر سازمان ملل (حق دارائی فکری) افراد از حمایت منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی و هنری بهره‌مند می‌گردند. در دارائی فکری نیز مانند دیگر حقوق مالکیت، خالق یا مالک پروانه ثبت اختراع، نشان تجاری و حق چاپ و تکثیر از منافع اثر یا سرمایه خود بهره‌مند می‌گردد» (Bakhtiarvand, 2015a, 2015b).

«در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و مدنی و سیاسی و با استناد به ماده ۲۷ منشور حقوق بشر سازمان ملل (حق دارائی فکری) افراد از حمایت منافع مادی و معنوی، بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی و لزوم اتخاذ تدابیر مناسب

توسط دولت‌ها جهت تأمین، حفظ، توسعه و ترویج آثار ادبی و هنری مورد تأکید قرار گرفته است. و برگزاری چنین کنوانسیون جهانی و منطقه‌ای در این رابطه، گویای توجه جهانی نسبت به این مسئله است» (G. Zaker Salehi, 2014; M. Zaker Salehi, 2014). در جمهوری اسلامی ایران نیز در رابطه با حمایت از حقوق مالکیت معنوی قوانین متعددی به تصویب رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصویب اولین قانون مربوط به مالکیت صنعتی در سال ۱۳۰۴، تصویب قانون مربوط به ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ در سال، وضع قانون مربوط به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سال ۱۳۸۳ و تصویب قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی در سال ۱۳۸۶ و تصویب قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹ (قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان، ۱۳۷۹).

در مجموع می‌توان گفت حقوق مالکیت معنوی حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی داد و ستد بوده ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست. «این حقوق به موضوعاتی می‌پردازد که زائیده‌ی فکر و اندیشه انسان و با آفریده‌های ذهنی مرتبط است حقوق مالکیت فکری، مفهوم حقوق نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند» (Mahmoudi, 2012). به طوری که این حقوق فارغ از هرگونه شروط قراردادی، منافی را برای پدید آورنده‌ی اثر در نظر گرفته و افراد جامعه را نسبت به رعایت آن ملزم و مکلف می‌کند (Zarei Dowlatabadi, 2007).

در نهایت با توجه به اهمیت روز افزون حقوق مالکیت فکری یا کپی‌رایت در جهان امروز و حتی پذیرش آن به عنوان یکی از گرایش‌های مهم رشته‌های حقوق و نیز با توجه به عنایت به رشد چشم‌گیری تولیدات علمی کشور و جهان و معضلات و مسائل مربوط به عدم رعایت حقوق معنوی و مالکیت فکری توسط برخی افراد و یا نهادها، لذا به نظر می‌رسد برای حمایت و پشتیبانی از دانش و نوآوری و تحقیقات، باید آحاد جامعه، علی‌الخصوص جامعه فرهیختگان و قانونگذاران را با قوانین حقوقی این حوزه آشنا نمود (Sotoudeh Tehrani, 2009).

نتیجه‌گیری

در فضای مجازی که به‌عنوان یک بستر پویا و نوظهور شناخته می‌شود، چالش‌های جدی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری به‌وجود آمده است. با وجود فرصت‌های گسترده‌ای که این فضا برای تولید و انتشار آثار فکری فراهم می‌کند، ویژگی‌های خاص آن باعث می‌شود که حفاظت از این آثار در برابر کپی‌برداری، نشر غیرمجاز و سوءاستفاده دشوار شود. ماهیت دیجیتالی و ناملموس آثار فکری در فضای مجازی، چالش اصلی است که این آثار را در معرض خطر بیشتری نسبت به اشکال سنتی قرار می‌دهد. دسترسی سریع و گسترده به محتوا و انتقال آسان آن بین کشورها، توانایی متخلفان را در نقض حقوق مالکیت فکری افزایش می‌دهد. در این میان، نبود مرزهای جغرافیایی در فضای مجازی، قانون‌گذاری و اعمال قوانین ملی را پیچیده‌تر می‌کند. یکی دیگر از چالش‌های مهم در حمایت از حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، کمبود ابزارهای اجرایی و مکانیزم‌های نظارتی مناسب است. بسیاری از کشورها همچنان فاقد سیستم‌های پیشرفته برای نظارت و پیگیری نقض حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی هستند. حتی در کشورهایی که دارای قوانین قوی‌تری هستند، اجرای این قوانین با مشکلات فنی، طولانی بودن فرآیندهای حقوقی و عدم همکاری‌های بین‌المللی مواجه است. این عوامل باعث می‌شود که فضای مجازی به یک محیط نسبتاً ناامن برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری تبدیل شود. مقایسه قوانین داخلی ایران با قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد که اگرچه قوانین ایران در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی داشته است، همچنان در برخی زمینه‌ها از استانداردهای بین‌المللی عقب مانده است. به‌خصوص در حوزه فضای مجازی، قوانین ایران هنوز نیازمند اصلاحات و به‌روزرسانی‌هایی است که بتواند همگام با تحولات تکنولوژیکی

و نیازهای جهانی عمل کند. در مقابل، قوانین بین‌المللی مانند توافق‌نامه تریپس، چارچوب‌های جامعی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتال ارائه می‌دهند و کشورهای عضو ملزم به رعایت این استانداردها هستند. قوانین ایران در این زمینه تحت تأثیر معاهدات بین‌المللی و توافق‌نامه‌های جهانی مانند توافق‌نامه تریپس قرار دارد. این توافق‌نامه که توسط سازمان تجارت جهانی تنظیم شده است، چارچوب‌هایی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری ارائه می‌دهد و کشورهای عضو ملزم به رعایت این استانداردها هستند در ایران، قوانین مربوط به مالکیت فکری شامل قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۹۹) و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (۱۳۹۸) هستند که به‌طور کلی به اصول توافق‌نامه تریپس نزدیک هستند. با این حال، برخی از چالش‌های اساسی در اجرای این قوانین در ایران وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، کمبود نظارت و اجرای ضعیف قوانین است. در حالی که قوانین داخلی ایران به‌طور نظری با استانداردهای بین‌المللی هم‌راستا است، در عمل مشکلاتی از جمله کمبود سیستم‌های اجرایی مؤثر و عدم همکاری بین‌المللی وجود دارد که مانع از حفاظت مؤثر از حقوق مالکیت فکری می‌شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In recent years, the expansion of advanced technologies and the surge in global knowledge and information production have rendered intellectual property (IP) a critical issue within the legal domain. The escalating significance of information, innovations, and inventions in the global economy and their pivotal role in societal advancement underscore the necessity of robust IP rights protection. Intellectual property, encompassing inventions, ideas, artistic and literary works, trademarks, and similar entities recognized legally as intellectual or intangible assets, enables creators to benefit materially and spiritually from their creations while preventing potential misuse (Sadeghi, 2014). In modern societies, the proliferation of technology and intellectual innovations has transformed the protection of creators' rights into both a legal and social imperative. This paper aims to investigate the approaches of Iranian law and international documents in safeguarding intellectual property within cyberspace, addressing the complexities introduced by the rapid technological and economic changes of the contemporary era.

Cyberspace, derived from the prefix "cyber," refers to computer-based environments where individuals exchange information through interconnected computers, independent of physical distance (Hasanavi & Farsani, 2010). The multifaceted definitions of cyberspace highlight its encompassing nature, including virtual networks, online communities, and any environment capable of processing information without necessitating network connectivity (Bay & Pourghahramani, 2009). In the realm of intellectual property, cyberspace presents unique challenges due to the ease of copying, distributing, and exploiting digital content. The digital and intangible nature of intellectual works in cyberspace makes their protection against unauthorized reproduction, distribution, and misuse significantly more challenging compared to traditional forms (Sadeghi,

2014). Consequently, the necessity of adapting existing IP laws to address the specificities of the digital environment has become increasingly apparent, necessitating comprehensive legislative frameworks that can effectively safeguard creators' rights in the virtual domain.

Iranian legislation on intellectual property has undergone significant developments to address the complexities introduced by digital technologies. The Iranian government has enacted various laws aimed at protecting data privacy and intellectual property rights, such as the Electronic Commerce Law and the Law on the Protection of Authors, Composers, and Artists' Rights (Ghadiri Javid, 2007). Despite these advancements, several challenges persist, including ambiguous definitions, inadequate scope, and insufficient protection mechanisms, particularly concerning data processed by legal entities. The draft bill on data protection and privacy in cyberspace, introduced in December 1396 by the Ministry of Communications in collaboration with researchers, exemplifies Iran's efforts to enhance IP protection (Zarei Mazraeche, 2011). However, the implementation of these laws faces obstacles such as weak enforcement systems, limited oversight, and the need for clearer regulations regarding the processing and safeguarding of personal and commercial data in the digital landscape (G. Zaker Salehi, 2014).

Internationally, various conventions and treaties have been established to standardize the protection of intellectual property across borders. The Paris Convention for the Protection of Industrial Property (1883) and the Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (1886) are foundational documents that have evolved to address the dynamic nature of technological advancements (Kargar Shouraki, 2006). The World Intellectual Property Organization (WIPO), established in 1970, plays a pivotal role in coordinating global IP protection efforts and facilitating international cooperation (Caswell & Day-Rubenstein, 2006). These international frameworks provide comprehensive guidelines for safeguarding intellectual property in cyberspace, emphasizing the need for member states to implement and enforce standardized IP protection measures. The harmonization of national laws with international standards is crucial for ensuring effective IP protection in the global digital economy, where cross-border infringement and unauthorized use of intellectual property are prevalent (Fathi Zadeh, 1997).

The protection of intellectual property in cyberspace faces numerous challenges, primarily due to the inherent characteristics of the digital environment. Anonymity, cross-border jurisdictional issues, and the rapid dissemination of digital content complicate the enforcement of IP rights (Emami, 1992). In Iran, while legislative measures align with international standards such as the TRIPS Agreement, practical implementation remains hindered by inadequate enforcement mechanisms and limited international cooperation (Zarei Mazraeche, 2011). Additionally, the rise of internet-based businesses and the proliferation of digital content have heightened the risks of IP infringement, necessitating more robust legal frameworks and enforcement strategies (Pournouri, 2004). The disparity between the theoretical alignment of Iranian laws with international norms and the practical shortcomings in enforcement underscores the need for comprehensive reforms to bridge this gap and enhance the efficacy of IP protection in the digital realm (Fathi Zadeh, 1999).

Comparative analysis of Iranian and international IP laws reveals that, although Iran has made strides in developing its legal infrastructure to protect intellectual property in cyberspace, significant gaps remain. International agreements like the TRIPS Agreement provide extensive frameworks for IP protection, offering detailed provisions that member countries are obligated to implement (Bakhtiarvand, 2015a, 2015b). In contrast, Iranian laws, despite their theoretical alignment with these international standards, often fall short in practical enforcement due to systemic deficiencies such as limited monitoring capabilities, bureaucratic inefficiencies, and the lack of specialized judicial

bodies to handle IP disputes effectively (Ansari, 2002). Furthermore, the rapid pace of technological innovation outstrips the legislative processes, resulting in outdated laws that fail to address contemporary challenges in IP protection within cyberspace (Ghadiri Javid, 2007). Addressing these discrepancies requires Iran to not only update its legal provisions but also to invest in developing robust enforcement mechanisms and fostering international collaboration to ensure comprehensive protection of intellectual property in the digital age (Sadeghi, 2014).

In conclusion, the dynamic and borderless nature of cyberspace presents significant challenges for the protection of intellectual property, necessitating continuous adaptation of legal frameworks to keep pace with technological advancements. While Iranian laws have progressively aligned with international standards, practical implementation issues hinder their effectiveness in safeguarding IP rights within the digital environment. International conventions and organizations provide essential frameworks and guidelines that facilitate global cooperation and standardization in IP protection, yet the enforcement of these standards remains inconsistent across different jurisdictions (Sadeghi, 2014). To enhance the protection of intellectual property in cyberspace, Iran must undertake comprehensive legal reforms, improve enforcement mechanisms, and strengthen international partnerships. Ensuring robust IP protection is vital for fostering innovation, economic growth, and the overall advancement of society in the increasingly digital and interconnected global landscape.

References

- Ansari, B. (2002). Principles Governing Information Privacy. *Legal Monthly of the Presidential Legal Affairs Office*, 1(3), 34-45.
- Ansari, B. (2007). *Privacy, Volume 1*. Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing.
- Aslani, H. (2002). *Patent Rights in Light of the TRIPS Agreement Terms* Tarbiat Modares University]. Tehran.
- Bakhtiarvand, A. (2015a). *Intellectual Property Rights*. T Publications.
- Bakhtiarvand, A. (2015b). *Legal Aspects of Intellectual Property*. Ayandeh Publications.
- Bay, H., & Pourghahramani, B. (2009). *A Jurisprudential Examination of Cybercrimes, Volume 1*. Islamic Science and Culture Research Institute Publishing.
- Caswell, M., & Day-Rubenstein, K. (2006). *Agricultural Research and Development*. <http://www.ers.usda.gov>
- Elmi, M. (2009). Methods for Commercializing Research Findings. *Andisheh Tejarat Journal*, 2(15), 4-11.
- Emami, N. (1992). Intellectual Property Rights. *Rahnemoon Quarterly (Shahid Motahari Higher School)*, 1(3-2), 55-64.
- Erfani, M. (2002). *Commercial Law, Volume 3*. Jungle/Javdaneh Publications.
- Fathi Zadeh, A. H. (1997). *Islamic Jurisprudence and the Foundations of Iran's Constitution*. Amirkabir Publishing.
- Fathi Zadeh, A. H. (1999). *Islamic Jurisprudence and Intellectual Property*. Yadgar Publications.
- Ghadiri Javid, M. (2007). An Introduction to Intellectual Property Rights. *Chamber of Commerce Journal*, 5(3), 34-37.
- Hasanavi, R., & Farsani, D. (2010). *Microsoft Computer Glossary, Volume 7*. Farhang Daneshyar Publishing.
- Hovai, M. (2009). Intellectual Property Rights. *Bar Elm and Technology Analytical News Journal, University of Tehran*, 1(4), 5-18.
- Jafari Langroudi, M. J. (2002). *Comprehensive Terminology of Law, Volume 1*. Ganj Danesh Library Publications.
- Kargar Shouraki, H. (2006). The International Investment System and Intellectual Property Dispute Challenges. Proceedings of the Second National Venture Capital Conference, Tehran.
- Khoramabadi, A. (2004). *History and Classification of Cybercrimes (Selsebil Conference Papers, Volume 1)*. Selsebil Publications.
- Mahmoudi, H. (2012). *Jurisprudential Analysis of Intellectual Property*. Andisheh Publishing.
- Naghibi, H. (2006). *Answers to Legal Questions on Intellectual Property*. Elm Publishing.
- Pakzad, B. (2011). *Cyber Crimes Shahid Beheshti University*. Tehran.
- Pournouri, M. (2004). *Intellectual Property Rights in Court: Trademarks and Patents, Volume 1*. Mahan Legal Publishing.
- Rahbar, N. (2005). The Impact of the Internet on Copyright in Cyberspace under International Law and Current Iranian Law. Proceedings of the Legal Aspects of IT Conference, Tehran.

- Sadeghi, H. (2014). Copyright Protection in Cyberspace: National and International Frameworks. *Judicial Legal Perspectives Quarterly*, 19(65), 37-62.
- Sotoudeh Tehrani, N. (2009). *Intellectual Property and Human Rights*. Human Rights Publications.
- Zaker Salehi, G. (2014). The Role of Universities in Developing and Institutionalizing the Intellectual Property System. *Journal of Comparative Legal Studies*, 18(2), 71-102.
- Zaker Salehi, M. (2014). *Islamic Jurisprudence on Property Rights*. Maaref Publications.
- Zarei Dowlatabadi, A. (2007). Intellectual Property Rights. *Tekfa Journal*, 9(5), 101-128.
- Zarei Mazraeche, G. (2011). *Jurisprudential and Legal Analysis of Damages in Cyberspace* [Kashan University].